

## **Investigating Developmental Trend of Spiritual Transcendence from Adolescence to Elderly: A Cross Sectional Study**

**S. R. Tabaeian\***

Assistant Professor of Psychology Department, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

**Sh. Amiri**

Professor of Psychology Department, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

**H. Molavi**

Professor of Psychology Department, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

### **Abstract**

The purpose of this study was to investigate the developmental trend of spiritual transcendence from adolescence to elderly in the city of Isfahan (90-91). Therefore 409 participants were selected and divided into 4 age groups: 77 subjects in 14-18 age group, 202 subjects in 19-39 age group, 113 subjects in 40-65 age group, and 23 subjects in 66-88 age group from both genders. The sampling in the adolescent group was done using multi-stage random sampling while in other groups it was based on availability. The participants consisted of 213 females and 196 males. The Assessment of Spirituality and Religious Sentiments Scale (ASPIRES) (Piedmont, 2010) was used to study the development of spiritual transcendence. ASPIRES was analyzed to verify its validity and reliability. The results of variance analysis showed that there was a significant difference in the development of the spirituality transcendence between the different age groups ( $p < 0.05$ ). Paired comparisons also showed a significant difference with regard to age groups ( $p < 0.05$ ). This difference was between the age group (14-18) and age groups (40-65) and (66-88) and also between age group (19-39) and (40-65) and (66-88). The spirituality transcendence development from adolescence to elder ages showed an increasing trend with a maximum at the older ages while the trend of spiritual transcendence development was similar in both males and females.

**Keywords:** spirituality transcendence, development, adolescence, elderly

## بررسی روند تحولی تعالی معنوی از نوجوانی تا پیری: مطالعه مقطعی

سیده راضیه طبائیان<sup>۱</sup>، شعله امیری<sup>۲</sup>، حسین مولوی<sup>۳</sup>

۱- استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

s.r.tabaeian@edu.ui.ac.ir

۲- استاد گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

S.amiri@edu.ui.ac.ir

۳- استاد گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

hmolavi@edu.ui.ac.ir

### چکیده

هدف این پژوهش، بررسی روند تحولی تعالی معنوی از دوره نوجوانی تا پیری در شهر اصفهان در سال ۹۰-۹۱ بود. حجم نمونه ۴۰۹ نفر را شامل می‌شد. پژوهش با توجه به هدف، مطالعه مقطعی بود؛ بنابراین افراد بر حسب سن در ۴ گروه سنی شامل ۷۷ نفر نوجوان (۱۸-۱۴ ساله)، ۲۰۲ نفر جوان (۳۹-۱۹ ساله)، ۱۱۳ نفر میان‌سال (۶۵-۴۰ ساله) و ۲۳ نفر پیر (۸۸-۶۶ ساله) و بر طبق جنسیت در دو گروه جنسی (۲۱۳ زن و ۱۹۶ مرد) در پژوهش شرکت کردند. روش نمونه‌گیری در گروه سنی نوجوان به صورت چندمرحله‌ای تصادفی و در سایر گروه‌ها به صورت در دسترس بود. به منظور بررسی سازه تعالی معنوی از مقیاس ارزیابی احساسات مذهبی و معنوی (پیدمونت، ۲۰۱۰) استفاده شد. این مقیاس پیش از انجام پژوهش تجزیه و تحلیل و روایی و پایایی آن تأیید شد. نتایج حاصل از تحلیل کواریانس نشان داد که میان گروه‌های سنی از نظر روند تحولی تعالی معنوی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد ( $P < 0/05$ ). مقایسه‌های زوجی نیز بیانگر وجود تفاوت معنی‌دار میان گروه سنی اول (۱۸-۱۴) با گروه‌های سنی سوم (۶۵-۴۰) و چهارم (۸۸-۶۶) و همچنین میان گروه سنی دوم (۳۹-۱۹) با گروه‌های سنی سوم (۶۵-۴۰) و چهارم (۸۸-۶۶) بودند ( $P < 0/05$ ). نتایج نشان داد روند تحولی تعالی معنوی از نوجوانی تا پیری به صورت سیر صعودی است و در پیری به بالاترین حد خود می‌رسد، ولی تفاوت معنی‌داری بین دو جنس مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: تعالی معنوی، تحول، نوجوانی، پیری، مطالعه مقطعی



## مقدمه

بر هم نمی‌زند. از این دیدگاه جامع‌تر، کلی‌نگر و یک‌پارچه، افراد با زندگی یک نوع احساس وحدت پیدامی‌کنند و در خود نسبت به دیگران احساس تعهد می‌کنند (پیدمونت، ۱۹۹۹).

الگوهای نظری و تجربی بر اساس این فرضیه که افراد تغییرات منظمی را در سطح معنویت در گستره عمرشان تجربه می‌کنند، وجود دارد (وینک و دیلون، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۸؛ دیلون و همکاران، ۲۰۰۶؛ کویینگ و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸).

وینک و دیلون<sup>۵</sup> (۲۰۰۲، ۲۰۰۸)، داده‌های طولی را بررسی کردند که نقش معنویت و دینداری را در طول یک دوره زندگی ۶۰ ساله ارزیابی می‌کرد. این داده‌ها برگرفته از یک نمونه با بیش از ۲۰۰ شرکت‌کننده بود که در دهه ۱۹۲۰ به دنیا آمده بودند. آنها تحول و بیان این ابعاد غیرمادی را از اوایل بزرگسالی تا سنین پیری سنجیدند. یافته‌های آنها نشان داد که سطوح معنویت به طور معناداری در طول گستره عمر به‌ویژه از اواسط تا اواخر بزرگسالی افزایش پیدا می‌کند و هم‌چنین زنان، سطوح بالاتری از معنویت را نسبت به مردان داشتند. از سوی دیگر مشخص شد که از اوایل تا اواسط بزرگسالی، معنویت مردان نسبت به زنان افزایش بیشتری می‌یابد. در زنان، سطح بالای معنویت در اواخر بزرگسالی با تعداد رخدادهای منفی زندگی که در اواسط بزرگسالی تجربه می‌شود، به‌خصوص مشکلات مالی و تعارضات با همسر و والدین، ارتباط داشت.

در یک مطالعه دیگر با استفاده از همان مجموعه داده‌ها، مک‌کلو و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۰۵) سه الگوی دارای قابلیت اعتماد از تجربه مذهبی را تعیین کردند که هر یک مسیر منحصر به فردی در طول زمان داشت. گروه اول افرادی بودند که در جوانی در مذهبی بودن

تجربه اصلی معنوی، شناخت واقعیت تعالی است که معنایابی در زندگی را برای فرد به همراه دارد و به سؤالات شخصی که در زندگی به دنبال آن است، پاسخ می‌دهد. تعالی یکی از ظرفیت‌های بنیادین فرد است؛ یعنی منبعی از انگیزه درونی که رفتارها را انتخاب و هدایت می‌کند و حرکت می‌دهد. در واقع یک الگوی گسترده برای فهم وجودی که از حد ادراکات انسان فراتر می‌رود و همه چیز را هم‌ساز و هماهنگ می‌کند، وجود دارد (پیدمونت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵).

پیدمونت (۱۹۹۹، ۲۰۰۵) معتقد است که مذهب و معنویت، گرایش‌های همگانی در تار و پود زندگی آدمی است. اگرچه فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف، آیین و مناسک مختلفی برای نیل و شرح و بسط این غایت معنادار دارند (وربیت<sup>۲</sup>، ۱۹۷۰؛ به نقل از پیدمونت، ۱۹۹۹)، هم‌سانی شگفت‌انگیزی در محتوای آن وجود دارد. به عبارت دیگر با وجود این که شکل‌های صورتی اعمال متفاوت است، از لحاظ محتوا و هدف شباهت‌های بسیاری در آنها دیده می‌شود. مذاهب مختلف بر محدود بودن دید انسان نسبت به درک کامل واقعیت‌ها تأکید دارند؛ چراکه درک انسان به زمان و مکان خاصی برای برآورده شدن نیازهای اولیه محدود است. پیدمونت این دیدگاه محدود را با نام تعالی معنوی سطح اول<sup>۳</sup> می‌خواند. در سطح بالاتر، پیدمونت (۱۹۹۹) موضوع تعالی معنوی را مطرح می‌کند که به ظرفیت درونی افراد فراتر از زمان و مکان محدود اشاره دارد؛ این منظر افراد را قادر می‌کند تا به زندگی از دیدگاه وسیع‌تر و عینی‌تری بنگرند. این دیدگاه متعالی، همان دیدگاهی است که شخص بین اجزای مختلف طبیعت یک وحدت وجودی را می‌بیند که حتی مرگ نیز این پیوندها را

<sup>4</sup>-Koenig

<sup>5</sup>-Wink & Dillon

<sup>6</sup>- McCullough & et al

<sup>1</sup>-Piedmont

<sup>2</sup>-Verbit

<sup>3</sup>-theme spiritual transcendence

## روش

این پژوهش، تحولی و با توجه به هدف، مطالعه مقطعی بود. برای بررسی تأثیر سن بر متغیر مورد نظر از طرح علی - مقایسه‌ای استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش تمام افراد در فاصله سنی نوجوانی تا پیری (۸۸-۱۴ ساله) بودند که بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۱ در شهر اصفهان سکونت داشتند. نمونه بررسی شده ۴۰۹ نفر (۲۱۳ زن و ۱۹۶ مرد در محدوده سنی ۸۸-۱۴ ساله) بود. نمونه‌گیری در شهر اصفهان و با توجه به گروه‌های سنی مختلف، متفاوت بود. دوره بزرگ‌سالی بر اساس تقسیم‌بندی منصور (۱۳۹۳)، سه گروه سنی در نظر گرفته شد؛ بنابراین افراد بر حسب سن در ۴ گروه سنی قرار گرفتند: ۱- گروه سنی نوجوان (۱۴-۱۹ ساله)؛ ۲- گروه بزرگسال (گروه نمونه جوان (۳۹-۲۰ ساله)؛ ۳- گروه نمونه میان‌سال (۶۵-۴۰ ساله) و ۴- گروه نمونه پیر (۸۸-۶۶ ساله).

نمونه‌گیری در گروه سنی اول (۱۸-۱۴ سال) به صورت تصادفی چندمرحله‌ای از نواحی ۵ گانه آموزش و پرورش (نواحی ۲ و ۱ به طور تصادفی) و مدارس دخترانه و پسرانه از ۴ پایه دبیرستان (پایه ۲ و ۳ به طور تصادفی) و انتخاب دانش‌آموزان کلاس از فهرست نام آنها (بر اساس شماره‌های زوج و فرد) انجام شد (به منظور ملاحظات اخلاقی چنانچه دانش‌آموزی به پاسخ‌گویی تمایل نداشت، از نمونه‌گیری خارج شد). نمونه‌گیری در سایر گروه‌های سنی به صورت در دسترس صورت گرفت. لازم به ذکر است که در گروه سنی دوم، بخشی از نمونه، جمعیت دانشجویی بودند که به صورت تصادفی از دانشگاه‌های شهر اصفهان (دانشگاه اصفهان و دانشگاه علوم پزشکی اصفهان) انتخاب شدند. بخشی از نمونه گروه سنی دوم (بخش و نمونه گروه سنی سوم (۶۵-۴۰) به جمعیت شاغل

نمره پایینی کسب کرده بودند و هم‌چنان در طول زندگی خود گرایش مذهبی پایینی داشتند. گروه دوم در جوانی در مذهبی‌بودن نمره بالایی به دست آورده بودند و در طول زمان نمره آنها بالا مانده بود. در نهایت گروهی وجود داشتند که در جوانی سطح متوسطی از مذهبی‌بودن را گزارش کرده بودند که این سطح در اواسط بزرگ‌سالی افزایش یافته و سپس در اواخر زندگی کاهش یافته بود.

در مطالعه‌ای براون و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) بانمونه‌ای به حجم ۱۵۳۴ زن و ۶۹۷ مرد تأثیرات سن و جنس در روند تحولی تعالی معنوی را بررسی کردند. مطالعه به صورت مقطعی و مقایسه سه گروه سنی ۱۷-۲۹، ۶۰-۳۰ و ۹۴-۶۱ ساله و گروه‌های جنسی انجام شد. نتایج نشان داد که روند تحولی از گروه سنی اول به گروه سنی دوم به صورت صعودی با شیب درخور ملاحظه بالا می‌رود و از گروه دوم به گروه سوم اندکی روند نزولی می‌شود.

بر مبنای پیشینه پژوهش که تأثیرات مرتبط با سن را نشان می‌داد، هدف مطالعه این بود که تعیین کند آیا سن به عنوان متغیر اثرگذار مطرح است؟ اگر چنین است روند تحول آن از نوجوانی تا پیری در نمونه ایرانی چگونه است؟ آیا روند تحولی تعالی معنوی در مردان و زنان مشابه است؟ اهداف پژوهش در قالب فرضیه‌های ذیل بررسی شدند:

فرضیه ۱: روند تحولی تعالی معنوی از نوجوانی تا پیری افزایش می‌یابد.

فرضیه ۲: بین زنان و مردان در روند تحولی تعالی معنوی تفاوت وجود دارد.

فرضیه ۳: بین تعالی معنوی در هر زوج از گروه‌های سنی تفاوت وجود دارد.

فرضیه ۴: سن و جنس به صورت متقابل در روند تحولی تعالی معنوی مؤثرند.

<sup>۱</sup> -Brown, T. & et al

سالمندان) انجام شد. جدول ۱ فراوانی گروه نمونه را بر حسب سن و جنس نشان می‌دهد. دستیاران پژوهشی اجرای طرح را بر عهده داشتند. به منظور رعایت اخلاق در پژوهش، شرکت‌کنندگان با رضایت در پژوهش شرکت کردند. از آنجاکه اجرای پرسش‌نامه‌ها حدود ۳۰ دقیقه زمان نیاز داشت، از شرکت‌کنندگان در پژوهش با ارائه هدایایی قدردانی شد. اجرا در گروه‌های دانش‌آموزی و دانشجویی به صورت گروهی و در سایر گروه‌ها به صورت فردی انجام شد.

جدول ۱. فراوانی نمونه بر حسب گروه‌های سنی و جنسی

گروه‌های جنسی	گروه‌های سنی				
	۱۴-۱۸	۱۹-۳۹	۴۰-۶۵	۶۶-۸۸	کل
زن	۳۷	۱۱۵	۵۲	۹	۲۱۳
مرد	۳۴	۸۷	۶۱	۱۴	۱۹۶
کل	۷۱	۲۰۲	۱۱۳	۲۳	۴۰۹

با نسخه اصیل انگلیسی مطابقت مفهومی پیدا کرد. در این مرحله پیدمونت اجازه استفاده از مقیاس را در ایران داد (این اجازه‌نامه به پیوست ارائه شده است). این ابزار بر مبنای نظریه پیدمونت (۲۰۱۰) تدوین شده است که شامل دو حیطه از عملکردهای قدسی می‌شود: احساسات مذهبی (RS)<sup>۲</sup> و تعالی معنوی (ST)<sup>۳</sup>. در این پژوهش از زیرمقیاس تعالی معنوی به منظور بررسی سازه تعالی معنوی استفاده شد. مقیاس تعالی معنوی (ST) ۲۳ گویه دارد که دربرگیرنده سه زیرمقیاس و نمره کل تعالی معنوی (TST)<sup>۴</sup> است؛ این مقیاس‌ها عبارتند از: جهان‌شمول‌نگری (UN)<sup>۵</sup>، اعتقادی مبتنی بر هماهنگی و هدفمندی زندگی، لذت عبادت (PF)<sup>۶</sup> (احساسات همراه با لذت که از خلال نماز یا مراقبه تجربه شده است) و ارتباط (CN)<sup>۷</sup> (حس تعهد و مسئولیت‌پذیری فردی و ارتباط

در ادارات دولتی و خصوصی مربوط بودند که با توجه به تقسیم بندی شهر به مناطق شهرداری و لیست ارگان‌های دولتی و خصوصی در آن با استفاده از شیوه نمونه‌گیری در دسترس و از میان جمعیت شاغلان، انجام گرفت. نمونه‌گیری در گروه چهارم (۶۶-۸۸) با توجه به شرایط سنی خاص به صورت نمونه‌گیری در دسترس از کانون‌های بازنشستگی ادارات دولتی، مراکز تفریحی مناطق شهرداری و انجمن‌ها و کانون‌های فرهنگی (مثلاً شب شعر ویژه

#### ابزارها

#### مقیاس ارزیابی احساسات مذهبی و معنوی (ASPIRES)<sup>۱</sup>

برای برطرف کردن مسایل بین فرهنگی و اطمینان از هم‌ارزی مفهومی کلمات و عبارات، مقیاس طی چند مرحله به زبان فارسی ترجمه شد که این مرحله زیر نظر متخصص زبان انگلیسی انجام گرفت. سپس متخصص زبان فارسی مطابقت مفاهیم با زبان فارسی را بررسی کرد. هم‌چنین متخصص الهیات در حوزه مفهوم‌شناسی مذهبی، عبارات پرسش‌نامه را به لحاظ مذهبی تحلیل کرد. در تمام طول این مراحل سعی بر این بود که تغییرات اعمال‌شده موجب تغییر در محتوای اصلی مقیاس نشود. سپس بنا به درخواست پیدمونت متن آماده‌شده را دو مترجم به زبان انگلیسی ترجمه کردند (حدوداً ۷ بار ترجمه و بازترجمه صورت گرفت) و با اعمال نظر ایشان مجدداً در فرم فارسی تجدید نظر شد. در نهایت نسخه فارسی کاملاً

<sup>۲</sup>-Religious Sentiments (RS)

<sup>۳</sup>-Spiritual Transcendence (ST)

<sup>۴</sup>-Total Spiritual Transcendence (TST)

<sup>۵</sup>-Universality

<sup>۶</sup>-Prayfulness

<sup>۷</sup>-Connectedness

<sup>۱</sup>- Assessment of Spirituality and Religious Sentiments (ASPIRES)

اتصالات: ۰/۴۹ و نمره کل تعالی معنوی: ۰/۸۹).  
 طبایبان (۱۳۹۱) نیز قابلیت اعتماد قابل قبولی در  
 سطح زیرمقیاس‌ها با استفاده از روش بررسی آلفای  
 کرونباخ گزارش کرد (لذت عبادت: ۰/۸۹،  
 جهان‌شمول‌نگری: ۰/۶۹، ارتباط: ۰/۵۷ و نمره کل  
 تعالی معنوی: ۰/۸۹).

با دیگران). پاسخ‌گویی به گویه‌ها در قالب طیف  
 لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم انجام می‌شود.  
 محدودیت زمانی برای پاسخ‌گویی وجود ندارد.  
 پیدمونت (۲۰۱۰) مشاهده کرد که نمرات STS  
 قابلیت اعتماد قابل قبولی در سطح زیرمقیاس‌ها دارند  
 (جهان‌شمول‌نگری: ۰/۹۴، عبادت‌کردن: ۰/۷۸،

## یافته‌ها

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد نمره کل تعالی معنوی به تفکیک گروه‌های سنی و جنسی

گروه سنی	زنان		مردان		کل	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
۱- نوجوان (۱۸-۱۴ ساله)	۸۹/۱۱	۹/۵۲	۹۰/۲۷	۱۲/۰۴	۸۹/۶۶	۱۰/۷۳
۲- جوان (۳۹-۱۹ ساله)	۹۱/۱۸	۹/۰۹	۸۷/۲۷	۱۲/۴۱	۸۹/۴۹	۱۰/۷۹
۳- میان‌سال (۶۵-۴۰ ساله)	۹۸/۷۱	۹/۱۷	۹۴/۵۰	۱۲/۰۷	۹۶/۴۳	۱۰/۹۹
۴- پیر (۸۸-۶۶ ساله)	۹۸/۵۵	۵/۴۷	۹۶/۲۱	۱۵/۳۸	۹۷/۱۳	۱۲/۳۳
کل	۹۲/۹۷	۹/۷۴	۹۰/۶۸	۱۲/۸۴	۹۱/۸۷	۱۱/۳۸

میانگین و انحراف معیار نمرات شرکت‌کنندگان در  
 نمره کل مقیاس تعالی معنوی به تفکیک گروه‌های  
 سنی و جنسی در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۳. ضریب هم‌بستگی و سطوح معناداری ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با متغیر پژوهش

متغیرهای وابسته	وضعیت تأهل	وضعیت شغل	تعداد اعضای خانواده	تحصیلات پدر	شغل پدر	تحصیلات مادر	شغل مادر
نمره کل تعالی معنوی	* ۰/۰۰۰۱	۰/۶۶۲	۰/۲۰۵	* ۰/۰۰۰۱	۰/۹۳۷	- ۰/۲۳۴	- ۰/۱۲۹
						* ۰/۰۰۰۱	* ۰/۰۰۰۹

تأثیری در متغیر وابسته داشتند و بنابراین به  
 کنترل آنها نیازی نبود.  
 درباره بررسی پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمرات  
 گروه‌های نمونه در جامعه، از آنجا که تعداد آزمودنی‌ها  
 بالغ بر ۴۰ نفر بودند، به استفاده از آزمون‌های  
 کولموگروف - اسمیرنوف و شاپیرو - ویلک برای  
 آزمون این پیش‌فرض نیازی نیست (مولوی، ۱۳۹۳).

برای مقایسه میانگین نمرات تعالی معنوی در ۴  
 گروه سنی و ۲ گروه جنسی لازم بود که در ابتدا  
 اطلاعات جمعیت‌شناختی نظیر پایگاه اقتصادی،  
 تحصیلات، وضعیت شغلی، تعداد خانوار و وضعیت  
 تأهل بررسی شوند. ضرایب هم‌بستگی و سطوح  
 معناداری نشان داد که به جز وضعیت تأهل (۰/۲۵۴)،  
 تحصیلات مادر (۰/۲۴-)، تحصیلات پدر (۰/۲۴-) و  
 شغل مادر (۰/۱۲۹-)، سایر مؤلفه‌ها معنی‌دار نبودند.  
 در این سه مؤلفه نیز میزان رابطه آن‌قدر زیاد نبود که

جدول ۳. نتایج تحلیل کواریانس به تفکیک سن و جنس

متغیرها	آماره	مجموع مجزورات	درجه آزادی	آماره F	سطوح معناداری	مجذور اتا	توان آماری
عضویت گروهی		۱۶۳۵/۲۴	۱	۱۳/۹۲۵	۰/۰۰۰۱	۰/۰۹۴	۱
جنس		۲۹۳/۶۵۸	۳	۲/۵۰۱	۰/۱۱۵	۰/۰۰۶	۰/۳۵۱

$P < 0/05$

نوجوانی به پیری افزایش می‌یابد. تفاوت گروه‌های جنسی، معنی‌دار نبود ( $P > 0/05$ )؛ بنابراین فرضیه اثر جنس تأیید نشد.

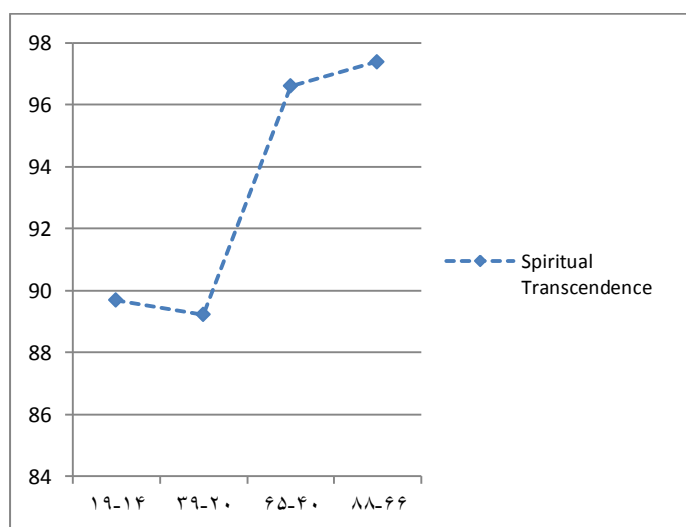
طبق جدول ۳ نتایج حاصل از تحلیل کواریانس در بررسی روند تحولی تعالی معنوی از نوجوانی تا پیری نشان داد که روند تحولی تعالی معنوی از

جدول ۴. نتایج مقایسه‌های زوجی در گروه‌های سنی

گروه سنی i	میانگین گروه سنی i	گروه سنی j	میانگین گروه سنی j	تفاوت میانگین (i-j)	سطح معناداری
۱۴-۱۸ ساله	۸۹/۶۹۱	۶۵-۷۰ ساله	۹۶/۶۰۷	-۶/۹۱۶	۰/۰۰۰۱
		۸۸-۶۶ ساله	۹۷/۳۸۵	-۷/۶۹۴	۰/۰۰۰۴
		۶۵-۷۰ ساله	۹۶/۶۰۷	-۷/۳۸۱	۰/۰۰۰۱
۱۹-۳۹ ساله	۸۹/۲۲۶	۸۸-۶۶ ساله	۹۷/۳۸۵	-۸/۱۵۹	۰/۰۰۰۱

شکل ۲ نشان داد که روند تعالی معنوی از نوجوانی شکل صعودی دارد؛ به طوری که پس از ورود به دهه ۴۰، ناگهان شیب نمودار صعودی می‌شود و در پیری به بالاترین حد خود می‌رسد.

هم‌چنین بررسی میان زوج گروه‌های سنی بیانگر وجود تفاوت معنی‌داری میان گروه سنی اول (۱۸-۱۴) با گروه‌های سنی سوم (۶۵-۷۰)، چهارم (۸۸-۶۶) بود. تفاوت میان گروه سنی دوم (۳۹-۱۹) با گروه‌های سنی سوم (۶۵-۷۰) و چهارم (۸۸-۶۶) نیز معنی‌دار بود ( $P < 0/05$ ).



شکل ۱. نمودار میانگین نمرات تعدیل‌شده تعالی معنوی در گروه‌های سنی



## بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سازه تعالی معنوی طی روندی تحولی از نوجوانی تا پیری بررسی شد. با توجه به پیشینه‌های پژوهشی، انتظار بود که میان گروه‌های سنی تفاوت معنی‌داری گزارش شود. نتایج نشان داد که سن به عنوان عامل اساسی در روند تحولی تعالی معنوی مطرح است. این یافته با نتایج تحقیقات پیدمونت (۱۹۹۹، ۲۰۰۳) مبتنی بر این‌که تعالی خصوصیتی است که در سنین بزرگ‌سالی تحول می‌یابد، هم‌خوان بود. نتایج حاصل از مقایسه میان گروه‌های سنی، بیانگر تفاوت در هر زوج از گروه‌های سنی و وجود تفاوت معنی‌داری میان گروه سنی اول (۱۸-۱۴) با گروه‌های سنی سوم (۶۵-۴۰) و چهارم (۸۸-۶۶) بود. همچنین تفاوت میان گروه سنی دوم (۳۹-۱۹) با گروه‌های سنی سوم (۶۵-۴۰) و چهارم (۸۸-۶۶) معنی‌دار بود. به عبارت دیگر میان دو گروه سنی اول و دوم یعنی از نوجوانی تا دهه ۴۰ با دو گروه سنی آخر یعنی از حدود دهه ۴۰ تا پایان ۸۸ سالگی تفاوت وجود داشت. از زاویه تحول‌نگری، نمودار سیر تحولی نشان‌دهنده روند صعودی میانگین‌های تعدیل‌شده نمرات از نوجوانی به سمت پیری بود که این با یافته براون و همکارانش (۲۰۱۳) هم‌خوانی داشت. پیدمونت (۱۹۹۹) معتقد است که این تحول تعالی معنوی با فرایند کهن‌سالی بیشتر افزایش می‌یابد. مسیری که در آن حرکت غیرقابل اجتناب به سوی مرگ، نیازی را برای انسان به دنبال می‌آورد تا معنا را جست‌وجو کند. بنابراین افراد مسن‌تر به دلیل وجود احساس نزدیکی بیشتر به مرگ، درک ملموس‌تری از فرایند تعالی دارند و یا حداقل زمان بیشتری را برای کاوش در زمینه تعالی سپری می‌کنند. نتایج پژوهش نیز نشان داد که

بالاترین میانگین نمره در تعالی معنوی به گروه سنی چهارم (۸۸-۶۶) متعلق است یعنی مقارن با دوره پیری. این موضوع علاوه بر آن‌که نشان‌دهنده تأثیر معنی‌دار سن در روند تحولی تعالی معنوی است، تأییدی بر دیدگاه بسیاری از نظریه‌پردازان شخصیت از جمله یونگ است. یونگ معتقد است که تغییرات عمده‌ای در شخصیت در محدوده ۳۵ و ۴۰ سالگی رخ می‌دهد و گرایشی فطری به سمت فردبودن یعنی تحقق کامل خود وجود دارد. زمانی‌که ساختارهای روان فردیت یافتند، مرحله بعدی یعنی حرکت به سوی تعالی رخ می‌دهد. لازمه تعالی، تمرکز بیشتر بر دنیای درون و دلبستگی بیشتر به دنیای معنوی است. این گرایش به سمت وحدت شخصیت و بهم‌پیوستن تمام اجزای متضاد در درون روان از دیدگاه یونگ در دوره میان‌سالی به تحقق می‌رسد (شولتز و شولتز، ۱۳۹۲). نتایج تحقیق حاضر نشان داد که میان‌سالی مطرح‌شده در دیدگاه یونگ دقیقاً همان محدوده سنی است که نمودار تحولی، راه خود را به سمت پیری با روند صعودی و شیب قابل‌ملاحظه‌ای طی می‌کند و به لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری را در خصوص روند تحولی با سنین نوجوانی و اوایل بزرگ‌سالی نشان می‌دهد. مشابهت میان نتایج پژوهش‌های مختلف نشان‌دهنده گرایشی اساسی به سمت تعالی در انسان به‌ویژه در سنین میان‌سالی است و احتمالاً با تغییرات عصب روان‌شناختی و سطوح شناختی مرتبط است. در زمینه عصب روان‌شناختی، تغییرات در مغز در اوایل بزرگ‌سالی به توانایی استدلال پیشرفته‌تر در موضوعات پیچیده و انتزاعی از قبیل مضامین معنوی و مذهبی کمک می‌کند. درباره تحولات شناختی در انتقال به بزرگ‌سالی نیز که لازمه تعالی است، طرفداران نظریه‌های فراتزاعی در تحول

شناخت نظیر سینات (۱۹۹۰)، به نقل از کارت رایت<sup>۱</sup>، نیز در این نظر با یونگ هم عقیده هستند که معنویت محصول فرایند رشدیافتگی است که در مسیر زندگی اتفاق می‌افتد. بزرگسالان میانسال و سالمندتر پس از گذار از مطلق‌گرایی و تجربه‌کردن نسبت در زندگی به رفتن به ماورای طریق عملیات منطقی صوری و درک حقیقتی تمایل دارند که الگوی تحول شناختی پیازه آن را توصیف کرده است. روش تازه شکل‌گرفته نگرش به دنیا به تلاش و اشتیاقی معنوی منجر می‌شود. پیرشدن فیزیکی، اگرچه پویایی یک شخص را محدود می‌کند، فرصت تجربه تعمق و سکوت تفکرآمیز را فراهم می‌سازد و بنابراین روند تحول تعالی معنوی را تسهیل می‌کند. هم‌چنین هم‌خوانی درخور ملاحظه‌ای میان نتایج پژوهش با مطالعات طولی وینک و دیلون (۲۰۰۳) وجود دارد. آنها بدون در نظر گرفتن جنس، افزایش معنی‌داری را در معنویت در مراحل میانی بزرگسالی یعنی دهه ۵۰ و ابتدای ۶۰ سالگی و مراحل بعدتر گزارش کردند.

البته به نظر می‌رسد که این بدان معنا نیست که حتماً در میان‌سالی پدیده تعالی معنوی، رخ می‌دهد و یا در سنین پایین‌تر امکان دستیابی به سطوح بالای تعالی معنوی وجود ندارد، بلکه نشان می‌دهد که گرایش اساسی در تمام انسان‌ها در جهت تعالی‌جستن در زندگی وجود دارد. احتمالاً بسیاری از عواملی که به طور طبیعی موجبات ظهور این انگیزه درونی را فراهم می‌کنند و بررسی شدند، به تحقق تعالی معنوی در میان‌سالی منجر می‌شود؛ این عوامل عبارتند از: تجربه ناملازمات در زندگی، تغییرات عصب‌شناختی، تغییرات شناختی، درون‌نگری و سکوت تفکرآمیز که خاص سنین میان‌سالی و بعد از

آن است و یا از دیدگاه پیدمونت، تجربه ناشی از احساس نزدیکی غیرقابل‌اجتناب به مرگ. در واقع بسیاری از نظریه‌های تحول معنوی همان‌طور که اشاره شد، انتظار دارند که آگاهی، بلوغ و تعهد معنوی افراد با افزایش سن افزایش یابد. پیدمونت (۱۹۹۹) به‌وضوح بیان کرد که نمرات معنویت وقتی فرد پیرتر می‌شود باید افزایش یابد. او مطرح کرد که غلبه رو به افزایش مرگ، یک محرک قدرتمند در انگیزه معنوی و درگیری مذهبی است.

تحول تعالی معنوی از زاویه متغیر جنس بیانگر تفاوتی معنی‌دار نبود. به عبارت دیگر میان زنان و مردان در خصوص روند تحولی تعالی معنوی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. اگرچه میانگین‌های تعدیل‌شده نمرات در گروه زنان به طور چشم‌گیری بیشتر از مردان دیده شد، این تفاوت معنی‌دار نبود. اثر تعاملی سن و جنس نیز تفاوتی معنی‌دار را نشان نداد. البته روند تحولی میانگین‌های تعدیل‌شده نمرات تعالی معنوی در زنان از نوجوانی تا پیری به صورت صعودی است و بیشترین میانگین به ششمین گروه سنی (۶۶-۸۸) مربوط است؛ ولی روند تحولی میانگین‌های تعدیل‌شده نمرات در گروه‌های سنی در مردان نشان‌دهنده روند نزولی از نوجوانی به سمت اوایل بزرگسالی است و سپس از حدود دهه چهل تا دهه هشتاد روند تحولی صعودی می‌شود.

با توجه به پیشینه پژوهشی انتظار بر این بود که مسایل غیرمادی بخش مهمی از زندگی اغلب افراد در گستره عمرشان باشد. به علاوه این مطالعات نشان داده‌اند که ماهیت درگیری‌های انسان در امور غیرمادی در طول زندگی تغییر می‌کند. از دهه ۴۰ به بعد در زمینه تعالی معنوی، روند صعودی مشاهده شد. حرکت به سمت میانه بزرگسالی زمانی است

<sup>1</sup> Cartwright

مولوی، ح. (۱۳۹۳)، راهنمای عملی SPSS-AMOS در علوم رفتاری، اصفهان: انتشارات پویان اندیشه.

Brown, T., C., T., Gehlert, N., & Piedmont, R. (2013), Age and Gender Effects on the assessment of spirituality and religion sentiments (ASPIRES) scale: A cross-sectional analysis, *The Journal of Religion and Spirituality*.

Cartwright, B. (2001), Cognitive developmental theory and spiritual development. *Journal of Adult Development*, 8 (4), 213-220.

Dillon, M., Wink, P., & Fay, K. (2003), Is spirituality detrimental to generativity? *Journal for the Social Scientific Study of Religion*, 42, 427-442.

Koenig, L. B., McGue, M., Iacono, W. G. (2008). Stability and change in religiousness during emerging adulthood. *Developmental Psychology*, 44, 532-543. doi: 10.1037/0012-1649.44.2.532

McCullough, M. E., Enders, C. K., Brion, S. L., & Jain, A. R. (2005), The varieties of religious development in adulthood: A longitudinal investigation of religion and rational choice. *Journal of Personality and Social Psychology*, 89, 78-89, doi: 10.1037/0022-3514.89.1.78.

McCullough, M. E., Tsang, J., & Brion, S. (2003), Personality traits in adolescence as predictors of religiousness in early adulthood: Findings from the Terman Longitudinal study. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29, 980-991, doi:10.1177/0146167203253210.

Piedmont, R. L. (2010), *Assessment of Spirituality and Religious Sentiments (ASPIRES): Technical manual* (2<sup>nd</sup> ed.), Timonium, MD: Author.

Piedmont, R. L., Ciarrocchi, J. W., Dy-Liacco, G. S., & Williams, J. E. G. (2009), The empirical and conceptual value of the spiritual transcendence and religious involvement scales for

که افراد عشق را می‌یابند و ازدواج می‌کنند، خانواده تشکیل می‌دهند و به امید ساختن یک زندگی به یک مسیر شغلی متعهد می‌شوند. اینجا مسایل معنا و درگیری در اجتماع مهم می‌شوند. ساختن یک آینده مستلزم داشتن برنامه‌ای برای دنبال کردن است؛ بنابراین نیاز به آفرینش یک معنای غایی در این مرحله چشم‌گیرتر می‌شود؛ چون این به آفرینش یک زمینه تفسیری برای فهم خویشتن کمک می‌کند. داشتن یک حس گسترده از معنای فردی ثبات هیجانی فراهم می‌کند که در عوض فرد را قادر می‌سازد که به یک تعهد طولانی مدت سرسپردگی پیدا کند. این هم‌چنین به فرد کمک می‌کند که یک حس اجتماعی را بیابد و پرورش دهد که در آن حمایت اجتماعی و محلی را برای هویت فرد و نیازهای زاینده‌گی فراهم آورد. پس در اواسط بزرگسالی سطوح بالاتر مشارکت مذهبی و تعالی معنوی افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد، بالا بودن سطوح مشارکت مذهبی در پیری به این دلیل باشد که اعتماد بیشتری برای افراد فراهم می‌کند که آنها در زندگی بعدی به امنیت معنوی غایی دست خواهند یابند.

## منابع

شولتز، د. و شولتز، س. ال. (۱۳۹۴)، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، انتشارات نشر ویرایش.

طباطبایان، س. ر. (۱۳۹۱)، *بررسی سیر تحولی تعالی معنوی، ارزش‌های انسانی بنیادی و باورهای دینی از نوجوانی تا پیری: یک مطالعه مقطعی*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه اصفهان.

منصور، م. (۱۳۹۳)، *روان‌شناسی ژنتیک (تحول روانی از تولد تا پیری)*، تهران، انتشارات سمت.

- Journal of Psychology of Addictive Behaviors*, 18, 213-222.
- Piedmont, R. L., & Leach, M. M. (2002), Cross-cultural generalizability of the Spiritual Transcendence Scale in India: Spirituality as a universal aspect of human experience. *Journal of American Behavioral Scientist*, 45, 1886-1899.
- Piedmont, R. L. (1999), Does spirituality represent the sixth factor of personality? Spiritual transcendence and the five – factor model. *Journal of Personality*, 67, 985 – 1014.
- Wink, P., & Dillon, M. (2008), Religiousness, spirituality, and psychosocial functioning in late adulthood: Findings from a longitudinal study. *Psychology of Religion and Spirituality*, (1), 102-115, doi:10.1037/1941-1022.S.1.102.
- Wink, P. & Dillon, M. (2003), Religiousness, spirituality, and psychological functioning in late adulthood: Findings from a longitudinal study. *Journal of Psychology and Aging*, 18 (4), 916-924.
- Wink, P. & Dillon, M. (2002), Spiritual development across the adult life course: Findings from a longitudinal study. *Journal of Adult Development*, 9 (1), 79-94.
- personality research. *Psychology of Religion and Spirituality*, 1(3), 162-179.
- Piedmont, R. L, Werdel, M. B., & Fernando, M. (2009), The utility of the assessment of spirituality and religious sentiments (ASPIRES) scale with Christians and Buddhists in SRI Lanka. *Journal of Research in the Social Scientific Study of Religion*, 20, 131-143.
- Piedmont, R. L. (2007). Cross-cultural generalizability of the Spiritual Transcendence Scale to the Philippines: Spirituality as a human universal. *Journal of Mental Health, Religion, and Culture*, 10, 89-107
- Piedmont, R. L., Hassinger, C. J., Rhorer, J., Sherman, M. F., Sherman, N. C., & Williams, J. E. G. (2007), The relations among spirituality and religiosity and Axis II functioning in two college samples. *Research in the Social Scientific Study of Religion*, 18, 53-73.
- Piedmont, R. L. (2005), The role of personality in understanding religious and spiritual constructs. In R. F. Paloutzian, & C. L. Park (Eds.), *Handbook of the psychology of religion and spirituality* (pp. 253-273), New York, NY: The Guilford Press.
- Piedmont, R. L. (2004), Spiritual transcendence as a predictor of psychological outcome from an outpatient substance abuse program.